

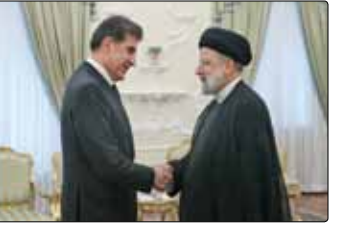


تیتراهای امروز

دیدارهای مهم نخبیروان با رزانی
رئیس اقلیم کردستان عراق با مقامات ایران

دیدار پس از وعده صادق

■ رئیسی: اقلیم کردستان مطلقاً از هر نوع سوءاستفاده رژیم صهیونیستی و ضد انقلاب از خاک این منطقه علیه ایران جلوگیری کند
باززانی: ما هرگز از خطوط قرمز ایران عبور نخواهیم کرد



الجزیره به نقل از یکی از رهبران حماس از موافقت این جنبش با طرح آتش‌بس در غزه خبر داد

آتش‌بس حماس

■ حماس: با پیشنهادی که شامل برقراری آتش‌بس، بازسازی ویرانه‌ها، بازگشت آوارگان و آزادسازی اسراست، موافقت کردیم

اطلاعیه قوه قضائیه درباره پیامک‌های عجیب مادر نیکا قبل از خودکشی دخترش و افشاگری‌های تکان‌دهنده خاله نیکا شاکرمی علیه مادر نیکا

نیکا و ماجرای خانه آتش

آتش شاکرمی: مادر نیکا او را شکنجه کرده با لگد توی شکمش می‌زد و از خانه بیرونش کرد نیکا زمانی که آتش میهمان داشته حق حضور در خانه او را نداشته و این شب‌ها ...

یادداشت

ظرفیت تمدنی حج و مسأله فلسطین

علی عسگری: آرمان اتحاد جهان اسلام در حقیقت ایده‌ای متعلق به قرن نوزدهم است که توسط برخی عالمان روشن بین عصر همچون مرحوم «سیدجمال الدین اسدآبادی» طرح شد. حقیقت این است که ملت‌های مسلمان در طول ۲ قرن گذشته به نحو جدی درگیر بحرانی شده‌اند تحت عنوان حاشیه‌نشینی تمدن. منظور از این بحران آن است که تحولات و جهت آنها به صورت دراز و از زاویه کشورهای مسلمان تدارک دیده نمی‌شود، بلکه سرنوشت ملل اسلامی گره خورده به تصمیمی است که خارج از مرزها و از ناحیه دولت‌های استعمارگر اتخاذ می‌شود. در این میان کسانی که دارای درک تمدنی تری نیست به آموزه‌های اسلام بوده و این ظرفیت را داشتند که در ساخت کلیت کشورهای اسلامی و نه با تعلقات شدید قومی و جغرافیایی تصمیم‌گیری کنند، با لحاظ حجم عظیمی از اشتراکات مردم در جهان اسلام معتقد بودند راه‌حل عبور از این بحران تمدنی تنها اتحاد و یکدستی میان کشورهای اسلامی است. این ایده در خط زمان امتداد یافته و در فرایند تکاملی خود به انقلاب اسلامی ختم شد. حضرت امام خمینی (ره) نیز در امتداد همین فکر، حل بسیاری از مضامین تمدنی جهان اسلام از جمله مسأله فلسطین را متوقف بر اتحاد و همدلی مردم مسلمان به شمار آوردند. امام خمینی ۲۴ مرداد ۱۳۵۸ می‌فرمایند: «اگر مسلمین مجتمع بودند هر کدام یک سطل آب به اسرائیل می‌ریختند او را سیل می‌برد.» اما نسبت این مباحث با مسأله حج چیست؟

همواره در ذهن برخی این سؤال وجود دارد: به رغم بسیاری از بدخلفی‌های عربستان به عنوان میزبان حج و حواشی‌ای که طی سال‌های گذشته شاهد آن بودیم و تا حدی کرانت برخی جنبش‌ها ایرانی را زیر سؤال برده، جز در بازه‌های محدود و پس از کشتار خونین حجاج سال ۶۶، چرا هیچ‌گاه رهبران انقلاب اسلامی راضی به تعطیلی حج نبوده‌اند؟ جدا از فریضه بودن حج، در این میان به نظر نکته‌سنجی‌های تمدنی نیز وجود دارد. برای توضیح این مضمون ابتدا به ذکر مثالی تاریخی خواهیم پرداخت. این پرسش جدی است که چرا رسول خدا(ص) نیز در عربستان، شهر مکه و در میان قوم بدوی نازل می‌شدند؟ آیا بهتر نبود ایشان در یک مهد تمدنی آن دوران حضور می‌یافتند؟ پاسخ این پرسش به نظر با بررسی جغرافیای مکه روشن خواهد شد. مکه از زمان پایه‌گذاری آن توسط حضرت ابراهیم خلیل‌الرئحمن علیه‌السلام یک گذرگاه تمدنی بسیار مهم بوده است. تجار و کاروان‌هایی که حتی مسلمان نیز نبوده‌اند هنگام عبور از آن منطقه در مکه اقامت می‌گزیند.

رهبر انقلاب در دیدار مسؤولان و کارگزاران حج و جمعی از زائران بیت‌الله‌الحرام با اشاره به اصل برائت از دشمنان به عنوان یکی از تعالیم حج ابراهیمی و وظیفه امت اسلامی در قبال فجایع غزه در فرصت حج:

حج امسال حج برائت است



صفحه ۲

Getty Images

سرکوب دانشگاه‌ها و عاقبت استانداردهای دوگانه غرب در مواجهه با خیزش‌های اجتماعی داخلی و خارجی

توهم «جامعه مدنی» از سر آمریکا و جهان پربد

«جوش» وجود دارد با یک کلیشه پوسیده تقریباً طنزآمیز «برجنب و جوش» که اگر بخوایم به چند مورد اشاره کنیم می‌توانیم از استعمال آن توسط هیات تحریریه روزنامه واشنگتن‌پست، در بیانیه‌های اتحادیه اروپایی و توسط جان کربی، سخنگوی کاخ سفید نام ببریم. تقریباً مثل این است که کسی درباره اصطلاحات مناسب نطق کرده باشد. این نوع جامعه مدنی برجنب و جوش و خوب باید مورد تجلیل و حمایت قرار گیرد. و اما نوع غلط جامعه مدنی هم وجود دارد که باید تعطیل شود. جو بایدن، رئیس جمهور آمریکا، خود در وصف جوهر این نگرش گفته است: «ما یک جامعه مدنی هستیم و نظم باید حاکم شود.» البته این یک برداشت نادرست عجیب از ایده جامعه مدنی است. در حالت ایده‌آل، ویژگی‌های کلیدی «جامعه مدنی»، استقلال از دولت و ظرفیت ایجاد یک وزن تعادلی موثر و حتی در صورت لزوم، مقاوم در برابر آن است. تأکید بر «نظم» به جای آن، ناآگاهانه یا نادرست است. در واقع جامعه مدنی، حتی در قامت یک آرمان، اگر درجه قابل توجهی از آزادی و بی‌نظمی به آن داده نشود، بی‌معنی است. جامعه مدنی که انقدر منظم باشد تا مزاحمتی برای هیچ‌کس ایجاد نکند، فقط برگ انجیری برای سازگاری اجباری و - دست‌کم - اقتدارگرایی بدوی است.

با این وجود باید از اِسن و واقعیت پیش‌با افتاده صرف‌نظر کنیم که جو بایدن چیزهایی می‌گوید که نشان دهنده جهل یا دوگانگی است. مهم‌تر آن است که «نظم» مورد کاربرد او، یک تعبیر شفاف است: ظهور فاشیسم در آلمان عصر وایمار آن را تشخیص خواهد داد: ابتدا دست گروه‌های SA حزب در حال ظهور نازی دست‌شان برای حمله به جیب‌ها باز گذاشته شد سپس پلیس نیز به جان همان جیب‌ها افتاد.

یادداشت روز

برائت از شجره خبیثه اسرائیل

دکتر علیرضا پیرومند



برای بحث و تبیین منطق برائت از مشرکان که در دیدار کارگزاران حج با رهبر معظم انقلاب بیان شد، لازم است نگاهی شبکدای به آیات قرآن کریم ببندیم. خدای متعال در آیه ۳ سوره توبه می‌فرماید: وَأَنَّ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ إِلَى الْوَالِدِينَ وَالْأَقْرَبِينَ مِنَ الْمَشْرِكِينَ وَرَسُولِهِ. این آیه شریفه بعد از به زیر کشیدن بت‌ها در کعبه اعلان عمومی شد. نکته مهم‌تر آن است که این اعلان نیز در روز حج اکبر یا همان حج تمتع قرار داده شد و اعلام مهم خدای متعال این بود که خدا و همچنین رسول او از مشرکان بری هستند و این اعلام برائت را خداوند در این آیه شریفه به عنوان یک وظیفه عمومی و مستمر برای مسلمان در ظرف و ظرفیت حج اعلام کرده و ما وظیفه داریم سطوح برائت خود را از مظاهر مختلف شرک به اشکال گوناگون در همیشه ایام اعلام کنیم. به همین خاطر حج به عنوان یک نمایش عبادت جمعی معنوی و سیاسی، ظرفیت مهمی است برای توجه و تألیف و تمرکز قلوب بر عبادت خداوند متعال و یکی از جلوه‌های عبادت دور کردن خود و جامعه اسلامی از مظاهر شرک است. طبیعتاً یکی از مظاهر این برائت، برائت زبانی است. یعنی اعلان انزجار و عدم همراهی امت اسلام با شرک و کفر. این حداقل کاری است که انتظار می‌رود در ایام حج، امت اسلام در اجتماع باشکوهی که هر سال وجود دارد، انجام دهند. اما در رتبه بعد ما احتیاج به برائت عملی داریم و این برائت عملی به معنای محدود کردن زمینه و امکان حضور و نفوذ مشرکان نسبت به تعیین سرنوشت آینده بشریت و حداقل آینده دنیای اسلام است.

برای دقت بیشتر به عنوان زمینه رجوع به قرآن ابتدا این سؤال را طرح می‌کنم: این وظیفه زبانی و عملی در اعلام برائت به جمیع مظاهر آن در منطق قرآن به چه دلیل باید اتفاق بیفتد؟ برای پاسخ، جلوه‌هایی از آن را با استفاده از بعضی آیات شریف قرآن توضیح بیشتری می‌دهم.

در آیه ۷۶ سوره نسا خدای متعال به گمان من یکی از وجوه و علل این اعلام برائت قولی و عملی را بیان کرده است. در این آیه خدای متعال می‌فرماید: «الَّذِينَ آمَنُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ الطَّاغُوتِ فَقَاتِلُوا أَوْلِيَاءَ الشَّيْطَانِ إِنَّ كَيْدَ الشَّيْطَانِ كَانَ ضَعِيفًا.» یعنی کسانی که ایمان دارند در راه خدا مقاتله می‌کنند و کسانی که کافر شده‌اند با شما جنگ می‌کنند اما در راه طاغوت. بعد خدای متعال می‌فرماید شما وظیفه دارید با اولیا و سران شیطان جنگ کنید اما بدانید مکر شیطان ضعیف بوده و شما پیروز هستید. از این آیه شریفه می‌شود استفاده کرد که باید برائت از مشرکان را در دستور کار قرار داد، چرا که آنان در سیل طاغوت حرکت می‌کنند و اگر ما مقابله با راه طاغوت نکنیم، دین خدا به خطر افتاده و اولیای الهی در خطر قرار می‌گیرند. یکی از راه‌های این مواجهه اعلام برائت است. البته اعلام برائت دارای دامنه و طیفی است که یک سر آن انزجار زبانی و سر دیگر آن مقابله نظامی با کفار است. آیه دیگری که ابعاد منطق برائت را برای ما مشخص می‌کند، آیه ۲۶ سوره ابراهیم است که می‌فرماید: «وَمَثَلُ كَلِمَةٍ خَبِيثَةٍ كَشَجَرَةٍ خَبِيثَةٍ اجْتُثَّتْ مِنْ فَوْقِ الْأَرْضِ مَا لَهَا مِنْ قَرْفٍ.» مثال کلمه خبیث مانند درخت پلیدی است که ریشه ندارد تا در روی زمین قرار گیرد لذا ثبات و دوام ندارد. مسلمانان باید از مشرکان اعلان برائت داشته باشند، چرا که مشرکان مظهر کلمه خبیثه هستند. کلمه خبیثه دارای هیچ قراری نیست کلمه خبیثه امروز اسرائیل و اذناب آن هستند، در واری اسرائیل نیز تمدن غرب قرار داشته و رفتار اسرائیل نماد بی‌برده‌ای از فرهنگ منحن غرب محسوب می‌شود. اگر باین کلمه خبیثه بر خورد نشود حیثیت خود را صادر کرده و فرهنگ منحن خویش را که فرهنگ گسترش و ترندنگی است در اقصی نقاط عالم گسترش می‌دهد. نکته سومی که در منطق قرآنی برائت می‌خواهم عرض کنم این است که خدای متعال می‌فرماید: نباید شما کافران را ولی خود قرار دهید و برای این موضوع دلیلی را ذکر می‌کند آیه ۱۴۴ سوره نسا می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ أَلَمْ يَكُنْ لَكُمْ وَاللَّهُ عَلَيْكُمْ مُطَّلِعًا يُبَيِّنُ لَكُمْ آيَاتِهِ لِيَتَّخِذَ الْكَافِرُونَ مِنْكُمْ أَوْلِيَاءَ.» یعنی اگر شما کافران را ولی خود قرار دهید دلیل آشکاری را بسیار برانگیخته است. بر اساس منطق بایدن که اعتراضات نباید حتی مراسم فارغ‌التحصیلی دانشگاه را مختل کند یا به تأخیر بیندازد، حال مسدود کردن یک نقطه ترافیکی مرکزی در پایتخت چه معنایی می‌تواند داشته باشد؟ فراموش نکنید که معترضان گرجستانی هم تاکتیک‌های خونسون‌آمیز پلیس را که علیه آنها به کار رفته گزارش می‌کنند و به طور کلی، بر حق بودن یا نبودن هدف آنها، یا پیش‌نویس قانونی که با آن مخالفت می‌کنند، خارج از حوصله این مقال است. من معتقدم غرب از آنها برای نمایشی زنونپولیتیک به سبب انقلاب رنگی استفاده می‌کند ولی موضوع ما حتی این هم نیست.